

سرجه و تهنیت و عزت ای تبعیت آورده و دلیلها گفته اند لا تتقوا  
 در غایت خفا و در قبول بر است و امام محمد باقر السلام بر همان قول نسبت ثابت  
 و اسخه الاقدام است و تشریح از شرح هر دو است و نیز ترجمه صحیح قول صحیح الامام  
 نمودند از جهت موافقت او بقول آنکه تجتهدن و با حاکمیت صحیح و آورده از تشریح  
 سید محمد سلیمان علیه السلام صلوات و تسلیات من رب العالمین من منور شد گفتن  
 صحیح نیست و اگر مرادش مجرد ترک باشد حمل کلامه علی خلاف الظاهر از آنکه  
 محققین معقولان نیستند از برای امر مسنون را برای مخالفت بگت ترک کرده کسی را  
 از اتباع سنت بر آوردن است از برای که بقصد دو فرقه اهل بیت هر یکی از اولاد  
 صدقند کم و بیش شعاع روشن ساخته باشند اگر مخالفت اینها را التزام کنیم همه  
 سنتها را از دست بدهیم و معنی سنن ناک سنن باشند معنی صحیح آن و فساد این در  
 غایت ظهور است از احاطه الی لیبیان و دیگر آنکه مخالفت از فضیلت باشد و نیز ظاهر  
 از جهت اشارت کردن در آنکه صحیح ارفعی را ندیدیم که اشارت سپاه معبود  
 باشد بلکه در خانه ای مولانا علی قاری که سید صدر سال شده بعد از آن شخص بسیار  
 از این اشارت مسنون را ندیدیم بلکه عادت ارفعی در وقت اسلام زمان آنکه  
 دستها را بر انونهای خود میزدند از جهت تأسف بر فوت اسلام بنا بر آنکه  
 خود قولیم چنانکه اکثرین دست در دست راست است بود از قولنا  
 علی متقی در رساله خود گفتند اینچنین نیست بلکه نسبت لایس خاتم نبیین است  
 میان یحیی و یسار و نیز در صحیح مسلم است در اخیر حدیث ابن عمر رضی الله عنهما  
 و زاد حدیث عقبه بن خالد و جمله فرید و این حدیث است این بین حالک است  
 اندک آمده کان خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و اشارت میفرماید یسار  
 امام نووی در تشریح وی میگوید و اما حکم در مسئله بعد فقره قد تفقه علی جوان

ف

فیه البین علی جوانه فی لیبیا و لا اراهتم فیها حرمها قوم و دیگر آنکه شافعی  
 در بیان این سخن صحیح دلالته میکند که آنها بر این مخالفت افضلیت ترک است کرده  
 بلکه هر کلام دلالته میکند که آنها بیشتر شامی و از جهت احتیاطی که می آید و  
 او جاسر و بعد غلو کردند و فتنه در آن انرا ترک کردن و افضل را اختیار کرد و از  
 آن برای آنکه آنچه حاکمین خدمت خادام الامکان و آن فضیلت بلکه نسبت و صحاح است  
 در باب است چهارم باین عبارات تصریح کرده که مشبه حد فاضل است از شامی  
 دلیل آنکه چون رسول صلی الله علیه و آله وفات یافت در مدینه دو صحف بود نزدیکی  
 هر یک بخردند یکی شامی و ساخته رسول صلی الله علیه و آله و کار کرده حد و ندا  
 مرا از آنکه که فاضله بود در آن روز آن در اول یافتند که میگوید قال ابي علیه  
 الصلوة و السلام الحمد لنا و شقنا لغيرنا و این مشبه در جامع البصیر و در کتب  
 پس معلوم شد که حد فاضله است از شامی و در کتاب نهضة الاحیاء و غیره  
 از کتب مسلم و دیگران که حضرت عباس رضی الله عنهما در کار ندید که اللهم جملت لیب  
 پس از این حدیثی که در حدیث و حاشیه تفسیر و حدیث و اندک شامی و از حدیث شافعی  
 میگرد و از بسید جراح بود رضی الله عنه و در کتاب میگوید شافعی که دست و اهل  
 مدینه شفق میکنند از جهت آنکه او سنت است بلکه از جهت آنکه از حدیث صحیح  
 شرفی نسبت است حتی اگر صحیح حدیث نسبت باشد در مذاهب و این شافعی  
 و احتیاطی که عقیده عقیدت است و در حدیث بروایت مسلم آورده از سعید بن  
 ابی وقاص رضی الله عنه قال الحد و الی الحد و انصبوا علی اللبون لیسما صنع رسول  
 الله صلی الله علیه و آله و امام نووی در تشریح وی گفته در این حدیث دلیل است در شافعی  
 و اکثرین را در این حدیث افضلیت از شافعی و وقتا که ممکن باشد حد و جراح کرده اند  
 بر جواز حد و شفق بر سراسر کلام امام نووی ظاهر شد که مذاهب امام شافعی رضی الله عنه  
 نیز از مذاهب جابوده و اگر و شافعی مذاهب عراق شفق را احتیاطی از حدیثی برین بوده باشد

معه  
ملته